



اعلامیه سازمان آزادی زن در محکومیت جنایات اخیر علیه زنان

جنون زن ستیزی را بخشانیم!

در هفته اخیر اخبار قتل و تجاوز به چندین زن و دختر نوجوان در ایران، پاکستان، هند، کردستان عراق و افغانستان قلبهای بسیاری انسان را به درد آورد. "تف به این دنیای خشن و بیرحم و زن ستیز!" اولین عکس العمل انسانهایی است که شاهد افزایش قتل عام و جنایت اند. در قرن بیست و یک هنوز دارند زنی را بخاطر اینکه همسرش را خود انتخاب کرده است در روز روشن در شلوغی خیابان های لاهور سنگسار می کنند، دختر و پسری که همدیگر را دوست دارند در افغانستان تیرباران می کنند، در ایران پدری دخترش را پس از آزاد شدن از دست اوپاش اسلامی با چاقو سر می برد، در کردستان عراق یک نوجوان 15 ساله توسط باصطلاح همسر پدوفیل 45 ساله اش مثله می شود و در هند دو دختر بچه 14 و 15 ساله مورد تجاوز گروهی قرار می گیرند و حلق آویز می شوند.

صفحه ۲



زن، در زندگی و مرگ: از فردریک وست تا آنتونی کندی

منصور حکمت

...جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است ...

صفحه ۳



خشونت نسبت به زنان، مقصر کیست؟

صفحه ۵

آذر ماجدی

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته

منصور حکمت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

و ازلی ابدی جلوه دارد؛ باید بتوان خوشونت و فقر و جنایت را برای مردم اجتناب ناپذیر قلمداد کرد. مذهب بهترین راه است و از اینرو است که بهترین ایدئولوژی بورژوازی برای بقای نظم نابرابر و بیرحم سرمایه است. کشتار و تروریسم وحشیانه سه دهه اخیر و جنگ میان دو قطب تروریستی اسلامی و دولتی بسرکردگی آمریکا و با دخالت کامل اروپا و اسرائیل نیاز بقای سرمایه جهانی است. نظم نوین جهانی اعلام شده توسط هیات حاکمه آمریکا بر مبنای این تروریسم و کشت و کشتار و دریدن انسان توسط انسان می کوشد بقای خویش را حفظ کند.

در این میان زن ستیزی، تجاوز و خشونت و اسارت زن بعنوان یکی از پایه های اصلی مذهب، یک از ارکان مهم اسلام دنیا را به یک دیوانه خانه بزرگ بدل کرده است. جنایت علیه زن جنون است. اما این جنون زابیده نظامی است که ارکانش بر تبعیض، نابرابری، فقر، استثمار و خشونت بنیان گذاشته شده است. این دنیا وارونه است! باید آنرا بر قاعده اش استوار کرد. نمی توان عاملین را محکوم و مجازات کرد و آمرین و مسببین این جنون زن ستیزی را بحال خود رها کرد. باید ریشه این جنون را خشکاند. باید با تمام قوا به جنگ نظامی رفت که این جنون را هر روز از نو بازتولید می کند.

ستم بر زن موقوف!
زنده باد آزادی و برابری!

سازمان آزادی زن
۳۱ مه ۲۰۱۴

دنیا، ۱۵ ساله در کردستان عراق بقتل رسید!



قتل یک زن باردار در پاکستان
بدلیل "ناموسی"

اعلامیه سازمان آزادی زن در محکومیت جنایات اخیر علیه زنان

جنون زن ستیزی را بخشکانیم!

و پر داده است؟ طالبان و رژیم اسلامی و ناسیونالیسم قومی کرد و تروریسم اسلامی در منطقه حاصل چه شرایطی است؟

نظام سرمایه داری از زمان انکشافش هر نهاد و ایدئولوژی دست و پاگیر را مضمحل کرده است. اما مذهب نه تنها هنوز با قدرت تمام حاکمیت می کند، بلکه طی دهه های اخیر قدرتمند تر شده است. برخی خواهند گفت که ایمان انسان و نیاز او به مذهب است که پابرجا نگاهش داشته است. خیر، نیاز سرمایه به تمحیق جامعه، به جدایی انداختن میان انسانهای کارگر، و نیاز انسان برای توجیه اینهمه تبعیض و خشونت است که مذهب را مانند سنگری محکم علیه آزادیخواهی، برابری طلبی و رهایی جامعه از بندهای اسارت حفظ کرده است. مذهب فقط "افیون توده ها" نیست، در جامعه کنونی مانند "کراک" و مواد مخدر کشنده عمل می کند.

باید بتوان این نظم نابرابر را توجیه کرد؛ باید بتوان اسارت و بردگی اکثریت توسط اقلیتی مفتخور را طبیعی

در هفته اخیر اخبار قتل و تجاوز به چندین زن و دختر نوجوان در ایران، پاکستان، هند، کردستان عراق و افغانستان قلبهای بسیاری انسان را به درد آورد. "تف به این دنیای خشن و بیرحم و زن ستیز!" اولین عکس العمل انسانهایی است که شاهد افزایش قتل عام و جنایت اند. در قرن بیست و یک هنوز دارند زنی را بخاطر اینکه همسرش را خود انتخاب کرده است در روز روشن در شلوغی خیابان های لاهور سنگسار می کنند، دختر و پسری که همدیگر را دوست دارند در افغانستان تیرباران می کنند، در ایران پدري دخترش را پس از آزاد شدن از دست اوپاش اسلامی با چاقو سر می برد، در کردستان عراق یک نوجوان ۱۵ ساله توسط باصطلاح همسر پدوفیل ۴۵ ساله اش مثله می شود و در هند دو دختر بچه ۱۴ و ۱۵ ساله مورد تجاوز گروهی قرار می گیرند و حلق آویز می شوند. این ظرف یک هفته منتشر شده است.

این چه دنیایی است که این چنین وحشی است؟ این چه دنیایی است که پدری را به سر بریدن دخترش و خانواده ای را به سنگسار جگرگوشه شان سوق می دهد؟ این چه دنیایی است که جانوران وحشی بر آن حکومت می کنند؟ برخی مردان را مسئول و خشن و بیرحم می شناسند. درست است عاملین این جنایات عموماً مردند. اما این چه دنیایی است که مردان را به چنین جانورانی بدل کرده است. در نگاه بعدی ارزشهای زن ستیز حاکم بر جامعه، مذهب، بویژه اسلام بعنوان عامل چنین جنایاتی شناخته می شوند. قطعاً مذهب زن ستیز، بیرحم و عقب مانده است. قطعاً حاکمیت اسلامی در ایران، افغانستان و پاکستان و کردستان عراق در این جنایت نقش مستقیم دارد و باید در کنار این مردان محاکمه شود. اما این چه دنیایی است که هنوز به اسلام نیاز دارد؟ چگونه است که در قرن بیست و یک منطقه ای وسیع زیر مهمیز اسلام دارد له و لورده می شود؟ این چه شرایطی است که به اسلام بال

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!



زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی

منصور حکمت

ویژه او در پیشگاه خداوند را، که ترجمه الهی جایگاه ویژه او زیر لگد جامعه مردسالار است، به خورد مردم بدهند.

با همه ربطی که این موضوع به بحث ما دارد، باید بهرحال اینجا از آن بگذریم، چون منظور معرفی جناب کندی است.

ایشان نظیر بسیاری از کشیشان نر در کلیسای انگلستان، که بعضا حتی از سر انزجار به آغوش کلیسای رم برگشتند، از این تحول خشمگین است. میگوید:

"کشیشان زن باید بر دار سوزانده شوند، زیرا به قدرتی دست میبرند که هیچ حقی بر آن ندارند. در قرون وسطی نام این سحر و جادو بود. تنها راه مقابله با ساحره ها اینست که بر دار سوزانده شوند"

"انجیل در این مورد کاملا روشن است. مردان و زنان از نظر بیولوژیکی تفاوت دارند. ما هرگز نمیتوانیم مانند هم باشیم. نمیتوانم تصور کنم که یک زن چگونه میتواند تجسم مسیح باشد، جراحی علاج کار نیست."

فردریک وست، یا جانی خانه مرگ هر که هست، دوزخی است، پلیس میبرد و پنهانش میکند. تا سالها نامش و اعمالش پشت مردم را در خلوتشان میلرزاند. اما آنتونی کندی بهشتی است، میتواند بی هیچ جرح و تعدیلی مسیح را نمایندگی کند، کودکان کودکستانی ما در خیابان به او لبخند میزنند و سلام میکنند، کسی در خانه او دنبال جسدی و در مغزش در جستجوی معمای مخوفی نیست. اما این همان آدم و همان واقعه است.

ساکن خانه مرگ به اتهام ارتکاب این جنایات دستگیر شد. روانکاوان متعدد بیشک به دهلیزهای ضمیر او خیره خواهند شد و از حدسیات خود کتابها خواهند نوشت. اما یک نکته، که بعنوان یک جمله ساده در گزارشات پلیس و خبرنگاران ذکر میشود و میگذرد، به واقعیاتی فراتر از قاتل و دنیای درونی او اشاره میکند: تمام قربانیان این جنایت زن بوده اند.

... و این ما را به آنتونی کندی میرساند.

در صفحه ۴ روزنامه تایمز لندن، روز ۹ مارس، و از قضا درست پشت گزارشی در مورد خراشهای ماجرای کرامول استریت بر سیمای دوست داشتنی شهر گلاستر، مطلبی در مورد تحولات مهم اخیر در کلیسای انگلستان و نمونه ای از اصطکاکهای درونی آن چاپ شده است. قهرمان ماجرا حضرت اقدس آنتونی کندی سر کشیش لاتون و توابع است. کلیسای انگلستان (که حدود ۵۰۰ سال قبل از کلیسای رم جدا شد) بالاخره در روز ۱۲ مارس، دودعه پس از تصویب اصل پذیرش زنان به مقام کشیشی در سینود مرکزی اش، ۳۲ زن را در کلیسای اعظم بریستول به این کسوت در آورد. این را البته افکار عمومی در انگلستان، و قبل از همه خود زنان مربوطه، گام مهمی در احقاق حقوق زنان میدانند. یکیشان با شوق میگوید "تنها وقتی در خدمت کلیسا برابر باشیم میتوان گفت که در پیشگاه خداوند برابریم". آنچه مسلم است اینست که در ظرف چند ماه آینده حدود هزار و دویست کشیش زن هم در انگلستان خواهیم داشت که کنار همقطاران مذکرشان بر منابر، آموزش کهنه و مردسالارانه مذهب درباره زن و جایگاه

رویداد هولناکی در اوایل مارس انگلستان را بهت زده کرد. در شهر سریزیر و تاریخی گلاستر، که به کافه های دنج و کلیسای بزرگ قرن یازدهمی اش شهرت دارد، خانه ای کشف شد که مدفن اجساد قربانیان قتل های مرموزی در طول بیست و پنج سال گذشته بوده است. تا نیمه مارس ۹ جسد از کف زیر زمین و حیاط خلوت و حمام خانه شماره ۲۵ کرامول استریت، که "خانه مرگ" و "تالار وحشت" لقب گرفته است، کشف شده بود. به تخمین پلیس، برمبنای قرائنی نظیر گمشدگان سالهای اخیر در منطقه، این عدد میتواند به ۳۰ برسد.

با هر جسد یکبار دیگر نفس در سینه آنها که در این سالها گمشده ای داشته اند حبس میشود. با هر جسد، ازدحام خبرنگاران و توریستها و مردم کنجکاوی که در محل با دوربین و وسائل پیک نیک اطراق کرده اند، انبوه تر میشود. همسایه ها پنجره کرابه میدهند. هرکس به فراخور شغل و تخصصش چیزی میگوید. شهردار گلاستر "مرگ یک شهر" را افسوس میخورد. خبرنگار "علمی" مفتون تکنولوژی راداری مین یاب ارتش در جنگ فالكلند است که اینک ابزار اصلی پلیس در حفاری ها و کشفیاتش است. در حالیکه متخصصین علائم شناسی پلیس در تلاش کشف هویت قربانیان از روی ژن آنها و بازسازی چهره آنان هستند، روانشناسان در تقلا درک مخیله و ذهن قاتلند. کدام جانور، کدام موجود بیمار و در هم پیچیده ای میتواند مرتکب چنین جنایتی شود؟ اینکه عامل این جنایات باید "مریض" بوده باشد تقریبا یک فرض عمومی است. آخر، بقول پزشک قانونی در محاکمه پرونده مشابهی در آمریکا، کسی که قادر به ارتکاب این "قتل های غیر عادی" است چطور میتواند آدم سالمی باشد.

فردریک وست، بنای ۵۲ ساله مالک و

واقعیت پابرجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبشهای قوی و اجتماعی برای رهایی زن، هنوز ستم جنسی در چهار گوشه جهان حکم میراند، باید حکمتش را همینجا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

اولین بار در فروردین ۱۳۷۳، آوریل ۱۹۹۴، در شماره ۱۳ انترناسیونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۱۷۹ تا ۱۸۲

زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی ...

موارد به خشونت آمیزترین شیوه ها، راه رهایی زن و خروج او از موقعیت قربانی را سد میکنند.

این قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است. هرچه با بازار و سود تناقض داشته باشد، دیر یا زود کنار زده میشود. بسیاری از جان سخت ترین افکار و تعصبات و راه و رسمهای کهنه در برابر نیازهای پیش پا افتاده و روزمره تجارت و تولید ور افتاده اند. و لاجرم، اگر زن آزاری و زن ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک

خشم و نفرین آنتونی کندی کلید حل معمای جنایات گلاستر را بدست میدهد. هر دو مورد باید بعنوان نمونه های جنایتکارانه خشونت علیه زنان و تبلیغ و تطهیر خشونت علیه زنان فهمیده شوند. این خشونت از مغز معلول وست و از دین معیوب کندی سرچشمه نمیگیرد. هر دو آنقدر عقل داشته اند که قربانیان خود را در میان اقشار بیحقوق تر جامعه جستجو کنند. منشاء این خشونت، دنیایی است که زن را در هزار و یک راه و رسم و قانون و سنت زمخت و ظریف، قابل ستم و کم ارزش تعریف کرده است. و آگاهانه و عامدانه، و در اغلب

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای کانگستری، باج خورها و اوپاش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

زنده باد اعتراض

گسترده زنان علیه

حجاب و آپارتاید

جنسی!

تلویزیون

آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت

تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

اسلام ضد زن است!



خشونت نسبت به زنان،

مقصر کیست؟

آذر ماجدی

و فلاکت وسیع، استثمار شدید سرمایه، یکی از نمونه های برجسته جامعه ای که فاصله فقیر و غنی در آن انسان را مشتمن می کند.

فحشاء پدیده ای کهن است. اما در جامعه مدرن امروز بصورت یک صنعت پر درآمد و بسیار خشن درآمده است. علاوه بر زنانی که بعلت فقر به تن فروشی روی می آورند، زنانی که بخاطر حاکمیت سنتهای عقب مانده مذهبی بدلیل ناموسی مجبور به فرار از خانه و به فحشاء کشیده می شوند، اکنون قاچاق زنان و کودکان و بردگی جنسی به یک پدیده وسیع بدل شده است. باندهای قاچاق زنان و کودکان را دست و پا بسته، همچون مواد مخدر از کشوری به کشوری دیگر قاچاق می کنند. هر از چندگاهی در روزنامه ها و رسانه ها خبر کشف یک باند قاچاق انسان برای فروش تن شان در بازار فحشاء روبرو می شویم. در برخی کشورهای خلیج بازار برده فروشی برقرار است و دختران جوانی که از کشورهای همسایه به این کشورها برده شده اند در ملاء عام بفروش می رسند.

این واقعیت دنیای امروز در قرن ۲۱ است. نه تنها خشونت نسبت به زنان کاهش نیافته است، بلکه با اتکاء به تکنولوژی و بازار مدرن وحشیانه تر نیز شده است. ریشه این خشونت در کجاست؟ چرا چنین خشونت عنان گسیخته ای علیه زنان انجام می گیرد؟ آیا این پدیده منحصر به کشورهای آفریقایی، هند و یا کشورهای با موقعیت اجتماعی - اقتصادی مشابه است؟ و بالاخره برای مقابله با خشونت علیه زنان چه باید کرد؟

خشونت بر مبنای جنسیت

یک حقیقت جوامع امروز به رسمیت شناختن وجود خشونت نسبت به زنان

در گوگل عبارت خشونت نسبت به زن را جستجو کنید تا با یک ماتریال عظیم در باره آمارهای مختلف از خشونت نسبت به زنان روبرو شوید. از تجاوز و ایذاء جنسی تا کتک زدن و ضرب و جرح و قتل زنان. کمپین های وسیع برای مقابله و ریشه کن کردن خشونت علیه زنان از طرف سازمانها و نهادهای مختلف سازمان یافته است. همه می گویند که می خواهند این خشونت را پایان دهند، سند تصویب میکنند؛ تاریخ برای پایان دادن به آن اعلام می کنند؛ اما خشونت نسبت به زنان نه تنها کاهش نیافته که بیشتر شده است. آیا این حیرت آور نیست؟ پس تلاش های نهادهای بین المللی از جمله سازمان ملل به چه منجر شده است؟

جنگ یک عامل مهم و تعیین کننده در افزایش و تشدید خشونت، بویژه تجاوز نسبت زنان است. در کشورهای آفریقایی که به یمن برقراری نظم نوین جهانی، اکنون دو دهه است در سناریوی سیاه جنگ و ویرانی دست و پا می زنند، تجاوز افزایش نجومی یافته است. کنگو یک نمونه وحشتناک استفاده از اسلحه تجاوز در جنگ است. در عراق طی ده سال جنگ آمریکا علیه این کشور آزار و اذیت جنسی زنان و تجاوز افزایش یافته است؛ در آفریقای جنوبی که فقر و بیکاری بیداد می کند، تجاوز بشدت زیاد است. در هند تجاوزهای دستجمعی علیه زنان یک امر عادی است. اخیرا شاهد بودیم که چگونه حمله، ضرب و جرح و تجاوز گروهی به یک زن جوان ۲۳ ساله که منجر به مرگ او شد، به یک جنبش اعتراضی وسیع در این کشور دامن زد. اما این جنبش که با همبستگی بین المللی وسیعی مواجه شد نتوانست از میزان تجاوز بکاهد؛ در همین مدت کوتاهی که از این واقعه دردناک میگذرد چندین تجاوز دیگر فقط توسط رسانه های بین المللی گزارش شده است. جامعه هند که "بزرگترین دموکراسی جهان" نام گرفته است، جامعه ای است مبتنی بر تبعیض وحشیانه، بی عدالتی، نابرابری، فقر

است. تعیین یک روز بعنوان روز جهانی مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان که در تمام دنیا برسمیت شناخته شده، خود بهترین گواه وجود این پدیده مزمن و شنیع در همه جا و تلاش برای ریشه کن کردن آنست. اما همانطور که در بالا اشاره کردیم، از آنروزی که چنین روزی اعلام و برسمیت شناخته شده است، ذره ای از میزان و شدت خشونت نسبت به زنان کاهش نیافته است. اولین سوالی که باید به آن پرداخت چنین است: آیا این خشونت یک پدیده "مردانه" است؟ این آن سوالی است که بعضا بدون هیچگونه تردید و نقدی پاسخ مثبت می گیرد. نظر رایج و عامیانه بر خشن بودن ذاتی مردان، بدلیل بیولوژیک و هورمونی و اگر نه "لطیف" بودن زنان، غیر خشن بودن آنها حکم می دهد. این افسانه ای بیش نیست. چرا؟

مگر نه اینکه هر دقیقه تعدادی زن مورد تجاوز مردان قرار می گیرند؟ مگر نه اینکه خشونت درون خانواده، کتک زدن زن توسط شوهر یک امر عادی در سراسر جهان است؟ پس چگونه ادعا می کنیم که تر "خشونت ذاتی" مردان، بی پایه و یک افسانه است؟ این فلاکت ها درست و واقعی است. اما اولاً این تمام حقایق در مورد خشونت اعمال شده درون چهارچوب خانواده و در سطح اجتماع نیست؛ ثانیاً خشونتی که از جانب مرد علیه زن اعمال می شود را نمی توان یک امر ذاتی نامید، یعنی با عوامل بیولوژیک توضیح داد. مقوله خشونت بطور کلی و خشونت علیه زنان بطور خاص یک پدیده اجتماعی است، کمالینکه با تغییرات فاکتورهای

تاریخ طولانی مورد سرکوب و ستم بوده اند، سندی بر خشن بودن مردان نیست. این مناسبات اجتماعی است که خشونت را در جامعه تولید و بازتولید می کند و مردان را به ابزاری برای اعمال خشونت بر زنان بدل می سازد. کماینکه همانگونه که در بالا اشاره شد زنان نیز به ابزار خشونت نسبت به زنان دیگر بدل می شوند. در عین حال شاهدیم که به درجه ای که جوامع رشد یافته اند، جنبش های اجتماعی وسیع شده اند، جنبش آزادی زن گسترش یافته است، مردان بیشتر و بیشتری به کمپ مبارزه با بی حقوقی زن و خشونت نسبت به زن روی آور می شوند. همین نمونه اخیر در هند که شاهد شکل گیری یک جنبش عظیم علیه تجاوز و خشونت نسبت به زنان بوده ایم، مردان بسیاری در این جنبش شرکت فعال دارند. در ایران مردان بسیاری فعالین جنبش حقوق زن هستند.

جامعه ای که ارکانش بر خشونت نهاده شده است، بطور روزمره خشونت را باشکال مختلف درون خود تولید و بازتولید می کند. نظام سرمایه داری که بر خلع ید از بخش وسیعی از جامعه بنا گذاشته شده، بخش وسیعی که برای گذران زندگی شان باید نیروی کار خود را به اقلیتی که تمام وسایل تولید و مبادله را در اختیار دارد بفروش رسانند؛ در جامعه ای که سود و فقط سود نقطه محرکه آنست؛ در جامعه ای که برای حفظ این مناسبات نابرابر و سرکوبگرانه زندان و دادگاه ساخته شده و یک پلیس و ارتش منظم سازمان داده است؛ در جامعه ای که سرمایه داران حکم می رانند و به راحتی از یک روز به روز دیگر یک خانواده را از خانه اش بیرون می اندازند و نان شب شان را قطع می کنند؛ در جامعه ای که حرمت انسان با کلفتی کیف پولش تعیین می شود؛ در جامعه ای که دزدان و ریاکاران همه کاره و مردم شریف و زحمتکش هیچ کاره اند؛ در چنین جامعه ای وجود خشونت امری طبیعی است.

این مناسبات برای ادامه حیات و توجیه خویش نیاز به یک ایدئولوژی نیز دارد. یک ایدئولوژی که وجود این مناسبات و نتایج آنرا طبیعی و

صفحه ۷

خشونت نسبت به زنان،

مقصر کیست؟ ...

دارد. این زنان بخت برگشته عموماً مورد خشونت بسیار قرار می گیرند. کار شدید، شبانه روزی و بلا انقطاع، فحاشی، کتک خوردن و تجاوز سرنوشت بسیاری از آنها را رقم می زند. بغیر از تجاوز که کار مردان "محترم" خانواده است و از طرف "خانم" های خانه نادیده گرفته می شود، بقیه موارد خشونت عمدتاً از طرف "خانم" خانه نسبت به مستخدم بی پناه اعمال می شود.

در فحشای سازمان یافته، فاحشه خانه ها و غیره، زنان نقش فعالی در اعمال فشار و زور به زنان تن فروش ایفاء می کنند. هم اکنون در برخی کشورهای اروپایی خانه هایی برای پناه دادن مردانی که مورد خشونت زنانشان قرار می گیرند ایجاد شده و مساله خشونت خانوادگی دیگر فقط از خشونت مرد نسبت به زن حکایت ندارد. بویژه در سنین بالاتر مردان نه چندان معدودی از طرف همسرانشان تحت خشونت لفظی و بدنی هستند. و بالاخره، علیرغم تصور عمومی فمینیستی که برای کاهش خشونت در جامعه خواهان قدرت رسیدن زنان در حاکمیت جامعه هستند، تجربه تاکنونی نشان داده است که هرگاه زنان در مقام حکومتی قرار گرفته اند در خشونت و ارتشاء دست کمی از مردان نداشته اند. از کاترین کبیر در روسیه تا ملکه آنتوانت در فرانسه، از مارگارت تاچر در انگلستان تا ایندیرا گاندی در هند، همگی بعنوان نمونه های برابری مرد و زن نام برده می شوند!

آیا این تلاشی برای از مهلکه در بردن مردان و باین اعتبار یک حرکت مردسالارانه و زن ستیزانه نیست؟ خیر، مطلقاً خیر. این تلاشی است برای نشان دادن ریشه واقعی ستم و سرکوب بر زنان. این واقعیت که زنان طی یک

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تغییر کرده و می کند.

بیولوژی یا اجتماع

زنان فقط قربانی خشونت مردان نیستند. زنان بسیاری مورد خشونت زنان قرار می گیرند. بطور نمونه، کتک زدن کودک، چه دختر و چه پسر، حتی بعضاً تا حد شکنجه، عموماً توسط مادر انجام میشود. حتی بطرق مختلف اعلام شده است که پدر بیشتر فرزند پسر را تنبیه بدنی می کند، در حالیکه دختر توسط مادر تنبیه بدنی می شود. در بسیاری جوامع، بویژه جوامعی که از نظر مناسبات اجتماعی عقب مانده تر هستند؛ در مناسبات عشیرتی، روستایی و غیره، مادر شوهر یک عامل مهم خشونت نسبت به زن است. کتک زدن، فحاشی، حتی قتل عروس توسط مادر شوهر پدیده ای شناخته شده در جوامعی مانند هند است. در ایران در بخش سنتی تر جامعه عموماً مادر شوهر سمبل یک قدرت استبدادی است. بطور کلی فامیل شوهر یک نهاد خشونت و تحقیر زن در چنین جوامعی است. خواهران شوهر نقش مهمی در اذیت و آزار جسمی و روانی زن دارند. خشونت لفظی و آزار و اذیت جاری ها نسبت به هم یک نمونه دیگر خشونت زنان نسبت به یکدیگر است. هوو در جوامع اسلام زده مقوله ای ترس آور و نفرت انگیز است. معمولاً هوو ها بطرق مختلف، از جمله مانیپولاسیون شوهر نسبت به یکدیگر خشونت اعمال می کنند. "زن پدر" مقوله دیگری است که در چنین جوامعی با زجر و خشونت تداعی می شود. خشونت وحشیانه "زن پدر" نسبت به فرزندان شوهر در جوامع عقب مانده تر امری عادی محسوب می شود.

مهاجرت دختران نوجوان و زنان از برخی کشورهای فقیرتر بطور مثال از کشورهای آسیای جنوب شرقی، فیلیپین و غیره به کشورهای عربستان سعودی، شیخ نشین ها، هنگ کنگ و حتی در مقطعی به ایران بعنوان مستخدم چندین دهه است که جریان

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

نیجریه: سازماندهی دفاع از خود در مقابل تروریسم اسلامی

زنان در یکی از روستاهای نیجریه که گروه دفاع نظامی را در مقابل تروریستهای سکت بوکوحرام سازمان دادند!



خشونت نسبت به

زنان، مقصر کیست؟ ...

ازلی ابدی جلوه دهد؛ یک ایدئولوژی که حداکثر در نقد مناسبات، انسان را به تلاش برای اصلاحاتی در آن و کارهای خیرخواهانه سوق دهد. ایدئولوژی حاکم در هر جامعه ابزاری مهم در توضیح و توجیه مناسبات نابرابر، سرکوب و خشونت در جامعه است. یک عنصر اصلی و مهم این ایدئولوژی مذهب است. و کیست که نداند تمام مذاهب تابعیت زن از مرد را تبلیغ و ترویج می کنند. زن خدمتکار و تحت حاکمیت مرد باید باشد. این حکم کلیه مذاهب است و صرفاً به اسلام، یهودیت و مسیحیت محدود نمی شود؛ چنانچه دیدیم امام ها و ملاهای نوع هندی پس از واقعه وحشتناک تجاوز گروهی و قتل آن دختر جوان، حکم بر این دادند که دختر اگر نه بیشتر به اندازه ۶ مرد مهاجم مقصر بوده است. فشار مذهب آنچنان زیاد است که پدر دختر مجبور از دفاع از دخترش شده است.

مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان بخشی از مبارزه برای ایجاد جامعه ای بری از خشونت، آزاد، برابر و مرفه است. باید علیه این خشونت شنبیع جنگید؛ باید نسبت به ریشه این خشونت آگاهی ایجاد کرد؛ باید نشان داد که چرا قول و قرارهای دولتها، سازمان ملل، اروپای واحد و امثالهم پوچ و بیحاصل اند؛ چرا علیرغم قولهای آنها و تصویب اسناد مختلف ما با رشد خشونت نسبت به زنان روبرو هستیم و چگونه این حکومت ها و نهاد ها خود در این افزایش آن نقش دارند؛ باید نشان دهیم که برای ریشه کردن دائمی خشونت نسبت به زنان باید این نظام وارونه را واژگون کرد و دنیا را بر قاعده اش بر زمین گذاشت.

ایجاد یک جامعه آزاد، برابر و مرفه بر ویرانه های این نظام نابرابر و سرکوبگر تنها راه خلاصی از خشونت نسبت به زنان است.

تظاهرات زنان در کردستان عراق علیه خشونت علیه زنان



تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!



تظاهرات زنان در کردستان عراق خسونت علیه زنان موقوف!



به نقل از سایتهای خبری، مرکز خبر 28.05.2014 13:38:20

زنان جنبش رژاک در سلیمانی در محکومیت قتل ناموسی و کشتن دنیا 15 ساله راهپیمایی کردند

صبح امروز سازمان آزادی زنان کردستان، رژاک برای محکوم کردن قتل یک زن 15 ساله در شهر دهوک، دست به راهپیمایی زد. زنان مقابل دفتر نمایندگی پارلمان کردستان در شهر سلیمانی تجمع کرده و خواسته‌های خود را به مسئولین آن بصورت مکتوب ارایه دادند. در ادامه نارضایتی‌ها علیه قتل دنیای 15 ساله، صبح امروز در ساعت 10 با شرکت شماری از زنان و فعالین، بویژه اعضای جنبش رژاک، مقابل دفتر پارلمان کردستان در شهر سلیمانی، تجمعی اعتراضی برگزار شد.

در این تجمع، زنان پلاکاردهایی با عناوین «زن، زندگی، آزادی»، «زن زندگی است، زندگی را نکش»، «چرا پارلمان در قبال کشتن زنان سکوت کرده» حمل کردند. زنان همچنین متن مطالبات خود از پارلمان اقلیم کردستان را قرائت کردند. به دلیل عدم حضور پارلمانتاران در محل، زنان مجبور شدند متن خواسته‌های اساسی خود را به مسئول دفتر پارلمان در سلیمانی تحویل دهند.

بیانیه زنان از سوی «شهین محمد» عضو رژاک قرائت شد. در بیانیه انتقاداتی شدید نسبت به مواضع پارلمان مطرح شده و گفته که پارلمان در قبال کشتن زنان سکوت می‌کند. زنان در خاتمه از پارلمان خواستند که عاملان جنایت‌ها و قتل زنان را به دادگاه تحویل داده و به اشد مجازات برسانند.

افغانستان:

تیرباران یک دختر و پسر جوان به "جرم" رابطه قبل از ادواج

تروریستهای طالبان در استان بغلان افغانستان، یک دختر و پسر جوان را به اتهام رابطه قبل از ازدواج، دستگیر و بدنبال محاکمه صحرائی به اعدام محکوم و سپس آنها را تیرباران کردند.

زن گشی در دنیای امروز

در قرن بیست و یک هنوز دارند زنی را بخاطر اینکه همسرش را خود انتخاب کرده است در روز روشن در شلوغی خیابان های لاهور سنگسار می کنند، دختر و پسری که همدیگر را دوست دارند در افغانستان تیرباران می کنند، در ایران پدری دخترش را پس از آزاد شدن از دست اوایش اسلامی با چاقو سر می برد، در کردستان عراق یک نوجوان 15 ساله توسط باصطلاح همسر پدوفیل 45 ساله اش مثله می شود و در هند دو دختر بچه 14 و 15 ساله مورد تجاوز گروهی قرار می گیرند و حلق آویز می شوند. این ظرف یک هفته منتشر شده است.

به سازمان آزادی زن پیوندید!